

بررسی عوامل تهدیدکننده‌ی همبستگی اجتماعی در سطح محلات

یاسمن توحیدیان^۱، مهرداد نوابخش^۲، حسین آقاجانی مرساء^۳

چکیده

در شهر تهران، باوجود تنوع هویت‌های اجتماعی که در سطح محلات وجود دارد، همبستگی اجتماعی نسبی‌ای وجود دارد که در برخی مناطق عوامل تهدیدکننده‌ای این انسجام را تهدید می‌کند. هدف این تحقیق بررسی عوامل تهدیدکننده‌ی همبستگی اجتماعی در سطح محلات است. در مبانی نظری از نظریه‌های مرتبط استفاده شده و در پایان مدل نظری تحقیق، طراحی گردیده است. این تحقیق با استفاده از مطالعات میدانی و روش پیمایشی انجام گرفته است. جامعه‌ی آماری کلیه‌ی افراد بالای ۱۵ سال در شهر تهران است که ۷۳۰ نفر به عنوان نمونه‌ی آماری تعیین شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ی محقق ساخته است که بعد از برآورد اعتبار و پایایی در بین پاسخ‌گویان توزیع شد. پس از گردآوری داده‌ها، براساس آمارهای استنباطی و با استفاده از نرم‌افزار SPSS، داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج بدست آمده، نشان می‌دهد که متغیرهای قوم‌گرایی، توسعه‌ی نابرابر، آگاهی از حقوق شهروندی، احساس تبعیض، اجحاف و بی‌عدالتی، ابزارها و رسانه‌های ارتباطی و اطلاعاتی، بر همبستگی اجتماعی تأثیر معناداری وجود دارند. و طبق رگرسیون سعی شده عوامل تهدیدکننده‌ی

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

tohidiany@yahoo.com

۲- استاد گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

navabakhsh@yahoo.com

۳- دانشیار گروه جامعه‌شناسی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

hos.aghajani@iauctb.ac.ir

همبستگی در قالب تحلیل مسیر، با ترسیم نیکویی برازش مدل نظری پرداخته شود. در بیشترین و قوی‌ترین اثرات همبستگی اجتماعی، می‌توان به اثر مستقیم بر متغیرهای قوم‌گرایی (۰/۴۰۶) توسعه‌ی نابرابر (۰/۳۴۰) آگاهی از حقوق شهروندی (۰/۴۸۷) احساس تبعیض، اجحاف بی‌عدالتی (۰/۳۸۰)، ابزارها و رسانه‌های ارتباطی و اطلاعاتی (۰/۳۱۸) اشاره نمود. این متغیر اثر غیرمستقیمی بر متغیر احساس تبعیض، اجحاف و بی‌عدالتی با وزن (۰/۲۱۸) دارد و بر متغیر توسعه‌ی نابرابر که جمعاً وزنی برابر با ۰/۵۵۸ بر متغیر وابسته دارد اشاره دارد.

واژگان کلیدی: قوم‌گرایی، توسعه‌ی نابرابر، آگاهی از حقوق شهروندی و هویت اجتماعی

مقدمه و بیان مسأله

موضوع کاهش همبستگی‌های اجتماعی در کلان‌شهرهای جدید به ویژه در کشورهای موسوم به درحال توسعه، به شکل نگران‌کننده‌ای توجه جامعه‌شناسان، مسئولان و برنامه‌ریزان شهری را به خود جلب کرده است. توجه به هویت‌های اجتماعی متنوع در شهر تهران از این حیث دارای اهمیت است که چگونه ممکن است در کنار آسمان‌خراش‌های عظیم، معماری توسعه‌یافته‌ی مدرن، تکنولوژی رو به رشد و در دسترس همگان، همبستگی اجتماعی را حفظ کرده و با عوامل تهدیدکننده آن به مقابله پرداخت. (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۲۳). بررسی موضوع همبستگی‌های اجتماعی و اخلاقی در شهرها و دلایل کاهش یا افزایش آن از حیث نظری و تجربی از یک سیر تاریخی نه چندان طولانی برخوردار است. (دونگو جو و همکاران، ۲۰۱۸) هویت شهری در خط فکری و تصویر ذهنی دارای ویژگی‌هایی است که شهر مورد نظر را معرفی می‌کند. اصولاً هویت یک پدیده، امری انتزاعی و جدا از دیگر موضوع‌ها نیست و هویت یک محله، با موضوع‌های بسیاری از جمله ساکنان محله، باورها، شیوه‌ی زیست، آرمان، فرهنگ، جهان‌بینی و... مرتبط و از آن تفکیک‌ناپذیر است. با تحلیل ساختار شهری تهران می‌توان به این نکته اشاره کرد که پیش از آغاز عصر مدرنیته و شروع تحول‌های بنیادین، بافت محله‌های شهر تهران به عنوان تبلور فضایی شرایط اجتماعی-اقتصادی جامعه از انسجام و همبستگی خاصی برخوردار است. گسسته شدن محله‌ها و شکل‌گیری فضای

جدید شهری به معماری بیگانه از فرهنگ بومی، نشان دهنده‌ی تغییرات اساسی در اوضاع اجتماعی- اقتصادی مردم، تغییر در هویت‌های اجتماعی و در بسیاری از موارد تهدیدی جدی برای همبستگی اجتماعی در سطح محلات شهر تهران به عنوان مدرن‌ترین و بزرگ‌ترین شهر ایران است. به عبارت دیگر می‌توان گفت مدرنیسم نوعی هویت اکتسابی است که جامعه‌ی ایران در قرن نوزدهم به آن روی آورد و پایگاه فیزیکی آن از محله‌های شهر تهران آغاز شد.

شهروند تهرانی از جنبه‌ی شخصیتی، درونی، هویتی و اجتماعی به موجودی چند ساحتی با لایه‌های متنوع و متکثر، قومی، زبانی، نژادی، سیاسی، مذهبی، ملی و... تبدیل شده است. افراد با هویت‌های دورگه و دوگانه با دسترسی زیاد و رو به رشد به تکنولوژی و رقابت روزافزون با یکدیگر، در یک ارتباط موزاییکی و گاه بسیار دور از هم که تهدیدی جدی برای همبستگی اجتماعی است، قرار گرفته‌اند.

تهران امروز منصفی ظهور افرادی با هویت‌های چندگانه و بعضاً متعدد و متناقض است که با دسترسی زیاد و رو به رشد تکنولوژی به طور ولع‌آوری در بهره‌گیری از افراد و مزایای مدرنیته در رقابت هستند و این امر در بسیاری از موارد منجر به کاهش و یا حتی حذف همبستگی‌های اجتماعی شهرها، کلان‌شهرها و به ویژه شهر تهران می‌شود. در این شرایط شناسایی عوامل تهدیدکننده‌ی همبستگی اجتماعی در سطح محلات آن، می‌تواند عاملی مهم و تأثیرگذار تقویت پیوندها و همگرایی و همبستگی هویت‌های اجتماعی متنوع و سوق دادن آن‌ها به سمت همبستگی ملی و اجتماعی باشد. فضای ملموس و پر از چالش هویت‌های اجتماعی و عوامل مؤثر و تهدید کننده‌ی همبستگی اجتماعی به موضوعی درخور توجه و پراهمیت برای محقق تبدیل شده است.

سؤالات تحقیق:

- آیا توسعه‌ی نابرابر بر همبستگی اجتماعی تأثیر معناداری دارد؟
- آیا نگرش نسبت جهانی شدن بر همبستگی اجتماعی تأثیر معناداری دارد؟

- آیا ابزارها و رسانه‌های ارتباطی و اطلاعاتی بر همبستگی اجتماعی تأثیر معناداری دارد؟
- آیا احساس تبعیض، اجحاف و بی عدالتی بر همبستگی اجتماعی تأثیر معناداری دارد؟
- آیا آگاهی از حقوق شهروندی بر همبستگی اجتماعی تأثیر معناداری دارد؟
- آیا روحیه‌ی فردگرایی بر همبستگی اجتماعی تأثیر معناداری دارد؟
- آیا قوم‌گرایی بر همبستگی اجتماعی تأثیر معناداری دارد؟

پیشینه‌ی تجربی تحقیق

اتابکی (۱۳۹۵) در «بررسی تنوع هویت‌های اجتماعی در شهر کاشان و عوامل تهدیدکننده‌ی همبستگی اجتماعی در سطح محلات»، به این موضوع پرداخته که بی تردید، هویت از پیچیده‌ترین مفاهیم و مقولات در عصر مدرن محسوب می‌شود. این اصطلاح، اگرچه در تاریخ اندیشه‌های مدرن بشری از جدی‌ترین موضوعات روشنفکری بوده، اما تاریخ بشر در حفظ یا ارتقاء آن با کشاکش‌ها و تضادهای بسیاری روبرو بوده است. مطالعه‌ی توصیفی- تحلیلی با هدف بررسی تنوع هویت‌های اجتماعی در شهر کاشان و عوامل تهدیدکننده‌ی همبستگی اجتماعی در سطح محلات است. روش ما نیمه- ساختاری است زیرا کار ما هم میدانی، هم کتابخانه‌ای است. در این پژوهش با استفاده از توزیع پرسشنامه و گردآوری و وارد کردن در SPSS فراوانی داده‌ها و پایایی و روایی و میزان اهمیت سؤالات را با استفاده از آزمون آلفا کرونباخ به دست می‌آوریم. نتایج نشان می‌دهد که اکثر پاسخ‌دهندگان معتقد به این مطلب بودند که یکی از عواملی که باعث تنوع هویت اجتماعی در کاشان شده است، بودن شغل و فرصت‌های سرمایه‌گذاری و اجناس خوب و قیمت مناسب است که این عامل در مهاجرپذیری شهر کاشان تأثیر بسزایی داشته است و باعث به وجود آمدن عدم اعتماد بین مردم، بی بندباری، عدم امنیت کافی، اعتیاد و سرقت و وجود انواع فرهنگ‌های مختلف شده که به موجب آن باعث تهدید همبستگی اجتماعی در سطح محلات کاشان شده است.

نیازی و همکاران (۱۳۹۳) به تبیین رابطه‌ی بین هویت‌های سه‌گانه‌ی فردی، اجتماعی و ملی با میزان پایبندی شهروندان به فرهنگ شهروندی (مورد مطالعه:

شهروندان شهر تهران در سال ۱۳۹۳) پرداخته است. این مطالعه از نوع پیمایش بوده و داده‌های تحقیق با استفاده از تکنیک پرسشنامه‌ی توأم با مصاحبه جمع‌آوری گردیده است. جامعه‌ی آماری شامل کلیه‌ی شهروندان واقع در سنین فعالیت شهر تهران در نیمه سال ۱۳۹۳ است. با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران، تعداد ۱۱۱۲ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین و با استفاده از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای و به صورت تصادفی افراد نمونه انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج تحقیق با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، رابطه‌ی مثبت و معناداری بین هر یک از متغیرهای هویت فردی، هویت اجتماعی و هویت ملی با میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی به ترتیب برابر با ۰/۳۱۲، ۰/۳۸۲ و ۰/۲۷۹ در سطح اطمینان ۳۳ درصد را تأیید نموده است. با توجه به نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه بر روی متغیرهای تحقیق، در مجموع، سه متغیر بالا ۱۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته تحقیق را تبیین نموده است.

فدریکو بیانجی و همکاران (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «همبستگی به عنوان یک محصول جانبی از همکاری حرفه‌ای: حمایت اجتماعی و اعتماد به یک فضای کاری»، با بررسی یک شبکه‌ی چندگانه‌ی همکاری، اعتماد و حمایت اجتماعی، همبستگی ناشی از تبادل اقتصادی را بررسی می‌کند. پس از یک مطالعه‌ی پیشگیرانه‌ی کیفی، ما یک نظرسنجی کامل شبکه در یک گروه از متخصصان مستقل که فضای کمپاین را به اشتراک می‌گذارند و گاهی با یکدیگر همکاری دارند. یافته‌ها نشان داد که همکاری موفق ممکن است انتظارات از حمایت اجتماعی را تعیین نکند، با این حال، این روابط به ارتباطات اعتماد مبتنی بر کسب و کار مربوط می‌شد، که با همکاری پیش‌بینی شده بود. همچنین نتایج نشان می‌دهد که همبستگی می‌تواند به عنوان یک محصول جانبی از مبادله‌ی اقتصادی همکار ظاهر شود؛ زمانی که اعتماد میان روابط حرفه‌ای و روابط بیان شده میانجی است.

دونگو جو^۱ و همکاران (۲۰۱۸)، «نگرش ساکنان نسبت به گردشگران داخلی با ارتباط، همبستگی احساسی و فاصله‌ی اجتماعی» به این موضوع پرداختند که با وجود اینکه همبستگی احساسی، فاصله‌ی اجتماعی و نظریه‌ی ارتباطات به طور گسترده‌ای برای توضیح تعامل گردشگری ساکن مورد استفاده قرار گرفته است، این سه مفهوم هرگز در بررسی وضعیت درون گروهی گردشگری داخلی در نظر گرفته نشده‌اند. برای درک نوعی از تعامل، همبستگی احساسی را بهبود می‌بخشد و فاصله‌ی اجتماعی را کاهش می‌دهد و همبستگی احساسی بر روی فاصله‌ی اجتماعی تأثیر می‌گذارد. این مطالعه با هدف تمرکز بر فرکانس و ماهیت تعامل در گردشگری داخلی، عوامل تعیین‌کننده‌ی همبستگی احساسی و فاصله اجتماعی را اندازه‌گیری کرد. همبستگی احساسی و فاصله اجتماعی و همبستگی احساسی را در عوض فاصله‌ی اجتماعی را توضیح می‌دهند. کلیه‌ی فرضیه‌ها با توجه به یافته‌ها، از اعتبار نظریه‌ی تماس در محیط گردشگری داخلی حمایت کرد و بر اهمیت تعامل در نگرش‌های ساکنان نسبت به گردشگران، پشتیبانی و تأکید شد.

جمع‌بندی از پیشینه

با توجه به مروری که بر تحقیقات و مطالعاتی که صورت گرفته است محققان قبلی عوامل تهدیدکننده‌ی همبستگی اجتماعی را شغل و فرصت‌های سرمایه‌گذاری، هویت فردی، هویت اجتماعی و هویت، شبکه‌ی چندگانه‌ی همکاری، اعتماد و حمایت اجتماعی، همبستگی ناشی از تبادل اقتصادی، همبستگی احساسی، فاصله‌ی اجتماعی می‌دانند. اما از آنجا که در این تحقیق جامعه‌ی آماری شهروندان محلات هستند بنابراین با توجه به مبانی نظری که با رویکرد جامعه‌شناختی همراه است، مهمترین عوامل تهدیدکننده‌ی همبستگی اجتماعی آگاهی از حقوق شهروندی، ابزارها و رسانه‌های ارتباطی و اطلاعاتی، قوم‌گرایی، توسعه‌ی نابرابر، نگرش نسبت جهانی شدن، روحیه‌ی

¹. Dongoh Joo, Asli D

فردگرایی و احساس تبعیض، اجحاف و بی‌عدالتی تصور شده است که با پیمودن مراحل علمی تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرند.

مبانی و چهارچوب نظری تحقیق

چهارچوب نظری، متغیرهای مهم و مؤثر در شرایط مربوط به مسأله‌ای تعریف شده را شناسایی و نشان می‌دهد و ارتباطات بین متغیرها را به صورتی منطقی توصیف می‌کند. در چارچوب نظری روابط بین متغیرهای مستقل، وابسته و در صورت گسترده‌گی، متغیرهای تعدیل‌گر و مداخله‌گر بشیوه‌ای علمی بنا می‌شوند. در اینجا هدف آزمون تئورها نیست بلکه یافتن تئوری‌هایی است که به مسأله مورد تحقیق نزدیکتر باشد و توانایی تبیین مسأله را در شرایط کنونی جامعه داشته باشد. بر مبنای این رویکرد در این پژوهش از طریق استدلال‌های منطقی در باب تئوریهای موجود یک دستگاه معرفتی تلفیقی ساخته شده است. ساختن دستگاه معرفتی که از میان تئوری‌های دیگر، قدرت بیشتری در تبیین مسأله‌ی ما را داشته است. چارچوب نظری انتخاب شده، بنیان نظری تحقیق است که راه حل تئوریک مسأله از آن بیرون می‌آیند.

پیش‌فرض اصلی بررسی بر این قرار گرفته است که بین آگاهی از حقوق شهروندی و همبستگی اجتماعی رابطی معناداری وجود دارد. طبق بررسی نظری موضوع به نظر می‌رسد، آگاهی از حقوق شهروندی، بر همبستگی اجتماعی تأثیر بسزایی داشته باشد. در این‌جا لازم است که به بحث و بررسی تئوری‌هایی که از آنها برای تبیین مسأله‌ی تحقیق بهره می‌گیریم، پردازیم. اهمیت ویژه‌ای که پارسونز به شهروندی می‌داد، ناشی از این واقعیت بود که او تصور می‌کرد در جوامع دموکراتیک، شهروندی به معیار اصلی همبستگی ملی تبدیل می‌شود. در گذشته، تفاوت‌های مبتنی بر مذهب، قومیت یا سرزمین آنقدر مهم بود که تعیین می‌کرد چه کسانی عضو جامعه به شمار آیند، یا از عضویت در آن بطور کلی محروم شوند. (رشتیانی، ۱۳۹۶: ۵۶) با وجود این، در جامعه‌ای مانند ایالات متحده وضعیت مشترک شهروندی شالوده‌ای کافی برای همبستگی ملی

فراهم می‌کند. مفهوم این امر برای پارسونز این بود که خصلت پلورنالیستی جامعه‌ی آمریکا، مشکلی اساسی برای شکل‌گیری هدف و هویت مشترک ملی ایجاد نمی‌کند. اختلاف‌های قومی، مذهبی و منطقه‌ای را می‌توان با هویت ملی همساز کرد و ستیزه‌های ناشی از این اختلافات را می‌توان حل کرد، بدون ترس از اینکه جامعه را از هم بگسلد، یا به جنگ خونین داخلی منجر شود.

ترنر معتقد است که شهروندی می‌تواند به مثابه‌ی مذهب مدنی برای انسجام اجتماعی عمل کند. به نظر ترنر تحلیل رفتن شهروندی باعث تحلیل رفتن و پوسیدن امکانات دموکراسی یا انجمنی می‌شود. ترنر مدلی از شهروندی ارائه داده است که در آن شهروندی به عنوان یک منبع با سه عامل هویت، جماعت و منابع (اعم از منابع اقتصادی، فرهنگی، سیاسی) از یک سو با یکدیگر در تعامل بوده و از سوی دیگر در تعامل با شهر نیکو یا شهر متعالی می‌باشند. (وکیل‌ها، ۱۳۹۵: ۳۲).

جانوسکی در توسعه‌ای که از کار مارشال به دست داد، به طبقه‌بندی مارشال از حقوق شهروندی، حقوق مشارکت را نیز ابتدا اضافه کرده و چهار نوع حقوق شهروندی را از هم متمایز می‌کند: حقوق قانونی، حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی و حقوق مشارکت. به نظر او حقوق مشارکت شامل ایجاد حق برای دولت در عرصه‌های خصوصی، خواه در بازار یا در سازمان‌های عمومی است. (کاستلز و دیویدسون، ۱۳۸۲). همچنین گی‌روشه بر این باور است که هر شخص تحت تأثیر محیط‌های مختلفی که بدان تعلق دارد و یا به آن رجوع می‌کند، هویت خود را توسعه می‌دهد. آنچه شخصیت اجتماعی مطرح است همان هویتی است که شخص در جایی در جامعه برای خود تبیین می‌کند که در واقع نوعی وحدت و انسجام به هستی و عمل وی می‌بخشد. (روشه، ۱۳۹۴: ۱۸۲).

از نظر گیدنز خود به منزله‌ی تصویری بازتابی از خویشتن است که فرد مسؤولیت آن را به عهده دارد و ما حقیقت وجودی خود را می‌سازیم. در این ساختن انتخاب‌های ما دخالت دارند و ما همواره و در همه حال در پی بازپرسی از خود هستیم. وی تأکید

می‌کند، در دوره جدید سیاست‌رهایی، به آزادسازی افراد و گروه‌ها از قید و بندهای دوره‌ی سنتی شده و آدمی در شرایط جهانی شدن، خود بر زندگی مسلط شده است. در دنیای کنونی حق انتخاب افراد و امکان‌گزینش به میزان قابل توجهی افزایش یافته است. از آنجایی که ماهیت زندگی روزمره به طور مستمر تحت تأثیر وصلت بین عناصر محلی و جهانی تحول می‌یابد، فرد نیز باید هویت خود را به طور مداوم و روزانه ایجاد نماید و در فعالیتهای بازتابی خویش مورد حفاظت و پشتیبانی قرار دهد. در واقع هویت شخصی امروزین نوعی دستاورد بازتابی است و از آنجایی که تجدد، تغییرات ریشه‌ای در کیفیت زندگی روزمره پدید آورده، در تمام تجربیات حتی در خصوصی‌ترین آن نیز تأثیر می‌گذارد. (حاجیان، ۱۳۸۸: ۸۵-۸۴). در غیاب جامعه‌ی مدنی و انجمن‌های اجتماعی، وضعی مستقر می‌گردد که توکویل آن را تفرد می‌نامد یعنی انزوا و ذره‌گونه شدن فرد در جامعه‌ای است که بعدها جامعه‌ی توده‌ای خوانده شده است. (بشیریه، ۱۳۸۶: ۲۹۰)

توکویل به وضعیتی اشاره داشت که در آن مردم از جامعه جدا می‌شوند، کناره‌گیری می‌کنند، یا منافع جامعه‌ی بزرگ‌تر را به دلیل خودخواهی نادیده می‌گیرند. فردگرایی احساسی ملایم و سنجیده است که هر شهروند را به جدا کردن خود از توده‌ی همگنانش و کناره‌گیری از دایره‌ی خانواده و دوستان متمایل می‌کند؛ او با این جامعه‌ی کوچکی که مطابق میل و سلیقه‌اش تشکیل شده است، جامعه‌ی بزرگ‌تر را ترک می‌گوید و آن را به حال خود رها می‌کند. نگرانی توکویل در اینجا این است که با این کار، مردم به جامعه‌ی بزرگ‌تر پشت می‌کنند و از پذیرفتن وظایف شهروندی سر باز می‌زنند؛ وظایفی که الزامات و تعهداتش فراتر از قلمرو نزدیکان است و به افرادی که نمی‌شناسند گسترش می‌یابد بنابراین خطر فردگرایی این است که هر کس تا ابد تنها به حال خود رها می‌شود و این خطر وجود دارد که در تنهایی دل خویش زندانی شود (کیویستو، ۱۳۹۵: ۱۲۱). با این که در بحث از جریان‌های جهانی و محلی دو دیدگاه مدرنیته و پسامدرنیته در برابر هم قرار دارند که اولی بر وحدت در کثرت و توسعه نهادهای فرهنگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و زیست محیطی تشکیل‌دهنده جامعه و هویت جهانی (والرشتاین، ۱۹۸۹؛

گیدنز، ۲۰۰۰: ۲۴۵؛ هابرماس (۱۳۸۰) و دومی بر جریان‌های تکثرگرایانه و تقویت اجتماعات و هویت‌های محلی تأکید می‌ورزند ولی به تدریج این دو دیدگاه به هم نزدیک‌تر گردیده و در واقع مکمل یکدیگر شده‌اند. امروز جهانی شدن به مثابه‌ی فرایند غیر قابل اجتنابی مطرح است که جنبه‌های عام و خاص یا انسجامی و تفکیکی آن با عنوان محلی- جهانی شدن همزمان مورد توجه قرار می‌گیرد. انواع و سطوح متفاوت هویت‌های جمعی اعم از محلی، ملی و جهانی به موازات هم مطرح می‌شوند، به طوری که می‌توان تحقق هویت جمعی عام جهانی را قرین حفظ تفاوت‌ها و هویت‌های جمعی خاص دانست. این نوع جریان‌های فکری تلفیقی امروز در جامعه‌شناسی اهمیت قابل توجهی پیدا کرده‌اند. جامعه‌شناسان هویت را در ابعاد گوناگونی نظیر هویت ملی، قومی، اسلامی و غیره دسته‌بندی کردند. در ساده‌ترین نگاه ممکن، هر کدام از این هویت‌ها دارای ارزش‌ها و هنجارهای خاص خود هستند و به نوعی در رقابت با هم قرار دارند؛ زیرا هر کدام از آنها، شبکه‌ی هویتی افراد خاصی را دارا هستند که شامل ارزش‌ها و هنجارهای ویژه‌ی خودشان می‌شود اما شبکه‌های هویتی افراد، می‌توانند هویت‌های گوناگونی را در یک زمان واحد اخذ کنند و حتی هویت‌های متفاوت، قلمروهای مشترک و تقویت‌کننده‌ای نسبت به هم می‌توانند داشته باشند. این شبکه‌های هویتی، در طول زمان تغییر می‌کنند و در نتیجه، همواره در حال دگرگون شدن، بازسازی، بازاندیشی و به طور کلی «در حال شدن» هستند. (ایمان، ۱۳۹۱: ۱۲۸).

در نزد تحلیل‌گران گفتمانی نیز به طور خلاصه می‌توان گفت که هویت در گردونه‌ای تنیده شده از استمرارها و عدم استمرارها، سنت‌ها و بدعت‌ها، تکرارها و انقطاع‌ها و در ارتباطی برتافته از مناسبات در زمانی و هم‌زمانی، جانمایی و هم‌نشینی، سازواره و عدم سازواره، عقلایی و غیرعقلایی شکل می‌گیرد. معنی‌دهی یا هویت‌یابی، محصول موقعیت و منزلت‌ها و مواضع هویتی به طور مستمر در ریزشند. هیچ‌گونه رابطه‌ی ذاتی بین معنا و هویت وجود ندارد و آنچه مفهوم و مصداق را به هم پیوند می‌دهد، رابطه‌ی قراردادی و سیال است.

همچنین فلاسفه و هم دانشمندان اجتماعی، توجه زیادی به بحث عدالت نموده اند. علاقه‌ی افراد به عدالت، از یک نیاز طبیعی اساسی منتج می‌شود، افراد، نیازهای فردی متفاوتی دارند که از طریق تعامل با دیگران به بهترین نحو ارضا می‌شود. این نیازها طیفی از نیازهای اقتصادی از قبیل پول و امکانات مادی تا نیازهای اجتماعی احساسی نسبتاً انتزاعی از قبیل توجه و احترام شخصی را در بر می‌گیرد عدالت به افراد استانداردهایی ارائه می‌دهد تا قضاوت نمایند که آیا این نیازها در محیط‌های اجتماعی که اغلب پیچیده هستند برآورده می‌گردد. به نظر هابز، عدالت عبارت است از عمل به تعهداتی که فرد از سر نفع طلبی به آنها رضایت داده است پس اساس عدالت، قرارداد است. هیوم نیز که متأثر از اندیشه‌ی هابز و الهام بخش مکتب اصالت فایده بود، عدالت را در تأمین منافع متقابل می‌دید. مسأله‌ی عدالت، اصلاً در جایی پدید می‌آید که منافع و اختلاف آنها در کار باشد. از همین رو مردم می‌توانند، درباره‌ی عمل عادلانه به توافق و وضع قرارداد برسند؛ چنین قراردادی باید، با توجه به نفع فردی، عادلانه تلقی شود. (بشیریه، ۱۳۸۲: ۱۱۶)

رسانه‌های جمعی، انتقال و هدایت دامنه‌ی گسترده‌ای از نمادها، هنجارها، ارزش‌ها، عقاید، پیام‌ها و افکار امروزی درون جوامع را به عهده گرفته‌اند تا جایی که برخی صاحب‌نظران معتقدند که رسانه‌های گروهی کل زندگی فرهنگی و اجتماعی را دگرگون می‌کنند و از جمله سازه‌های مهم اجتماعی هویت اجتماعی و فرهنگی هستند که علقه بدان‌ها، از جمله کارکردهای مهم رسانه‌ای به حساب می‌آید. معضلات هویتی بحران هویت را از جمله مسائل گریبانگیر جوامع دانسته‌اند. یعنی «رسانه‌های جمعی» هستند که بیشتر متفکران عامل اصلی این فرایند را تأثیری که رسانه‌های جمعی بر فرهنگ و ساختارهای اجتماعی و نظام بین‌المللی دارند، سبب شده است که به نوعی، همه‌ی دنیا با مسأله‌ای با عنوان بحران هویت روبرو شوند. به عنوان نمونه، رسانه‌ها منبع اصلی بحران هویت بویژه در اروپای شرقی ارزیابی می‌شوند، زیرا بعد از فروپاشی شوروی و با از بین رفتن هویت تحمیلی سوسیالیستی، چون رسانه‌های جمعی به گروه‌های هویتی

متفاوت در جامعه متعلق شدند، هر یک نه تنها هویت متفاوتی را معرفی می‌کردند، سلسله‌مراتب مختلف و هویت‌هایی متکثر را نیز به وجود می‌آوردند. در کشورهای اروپای شرقی تقریباً، بخش اعظم فرایند هویت‌یابی یا سیاست‌های هویتی را رسانه‌های جمعی سازماندهی و اداره می‌کنند. استفاده‌ی فراگیر و مستمر از رسانه‌ها به طور حتم نقش مهم و عمده‌ای در شکل‌گیری یا تقویت افکار و عقاید و نگرش‌های جامعه ایفا خواهد کرد. همچنین رسانه‌ها از طریق ارائه‌ی هنجارهای اجتماعی، مخاطبان را با الگوهایی از روابط انسانی و اجتماعی و به طور کلی سبک زندگی آشنا می‌کند؛ به عبارتی مخاطبان به وسیله‌ی وسایل ارتباط جمعی از تأثیراتی مانند همنوایی یا هم‌رنگی با جماعت، تقلید، تبعیت، همانندسازی، جامعه‌پذیری و درونی کردن برخوردار می‌شوند. به طوری که مخاطبان با توجه به وجود پیچیدگی‌ها و مشکلات مختلف در زمینه‌ی مسائل اجتماعی و فرهنگی خود، می‌توانند نحوه‌ی روابط انسانی و اجتماعی را از برنامه‌های تلویزیون بیاموزند و سبک زندگی خود را شکل دهند. افراد با استفاده از انواع رسانه‌های الکترونیکی و ارتباطی نظیر اینترنت و رایانه براساس هویت مشترکی که دارند، گرد هم آمده و از هویت خود دفاع می‌کنند و باعث تقویت دلبستگی و تعلق به خرده‌فرهنگ قومی خود می‌شوند و بیشتر خود را متعلق به قومیت خود دانسته و احساس تعهد بیشتری می‌کنند. این در حالی است که با مفاهیمی همچون حقوق بشر، دموکراسی، آزادی بیشتر آشنا می‌شوند و نهضتهایی تشکیل می‌دهند.

روش تحقیق

این تحقیق با استفاده از مطالعات میدانی و از روش پیمایشی انجام گرفته است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده که توسط محقق طراحی و بعد از برآورد اعتبار و پایایی در بین پاسخگویان توزیع گردید. برای این منظور ابتدا برای جمع‌آوری مطالب مربوط به موضوع مطالعه به منظور ایجاد پشتوانه‌ی علمی و نظری با استفاده از مطالعه کتابخانه‌ای مبانی نظری در داخل و خارج از کشور جمع‌آوری شد. حجم نمونه ۷۳۰ نفر است. در این تحقیق، انتخاب نمونه با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای طبقه‌بندی تصادفی

است. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی استفاده شده است. ابتدا جامعه‌ی آماری را به قسمت‌های خاص تقسیم می‌کنند که به آن خوشه گفته می‌شود. سپس افراد نمونه از این خوشه‌ها با استفاده از شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب می‌شوند. شهر را به پنج بخش شمال، جنوب، شرق و غرب و مرکز شهر تقسیم نموده و از هر بخش، منطقه‌ای را به طور تصادفی (منطقه ی ۱۸ نماینده‌ی جنوب تهران، منطقه ۱۲ نماینده‌ی مرکز، منطقه‌ی ۱ نماینده‌ی شمال تهران، منطقه‌ی ۴ نماینده‌ی شرق تهران و منطقه‌ی ۵ نماینده‌ی غرب تهران) انتخاب شد. پس از دریافت نقشه‌ی منطقه‌ی منتخب، چند بلوک به طور تصادفی از ناحیه‌ی ۲ هر منطقه انتخاب گردید.

برای اطمینان از روایی محتوا، در موقع ساختن ابزار سعی شد که سؤال‌های تشکیل دهنده‌ی ابزار معرفت قسمت‌های محتوای انتخاب شده باشد و به افرادی متخصص در موضوع مورد مطالعه داده شد زیرا اعتبار محتوا به قضاوت داوران بستگی دارد. و طبق نتایج حاصل از ارزیابی سؤالات پرسشنامه، که در مرحله‌ی اول سؤالات ۷ سؤال مورد تأیید کارشناسان قرار نگرفت و پس از حذف سؤالات رد شده توسط کارشناسان و لحاظ کردن در پرسشنامه، همه‌ی سؤالات مورد تأیید کارشناسان قرار گرفت. ۸۵ سؤال پرسشنامه با اعتبار بالا یعنی ۰/۹، ۰/۸ و ۰/۷ مورد تأیید قرار گرفت. برای پایایی ابتدا پرسشنامه‌ی تهیه شده روی یک نمونه ۳۰ نفری از جمعیت نمونه اجرا گردید و آلفای کرونباخ همه‌ی مؤلفه‌های آن به دست آمد که بالای ۰/۷ است. پس از گردآوری داده‌ها، براساس آمارهای توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم‌افزار spss، از آزمونهای تحلیل رگرسیون و ضریب همبستگی روابط بین متغیرها بررسی می‌شود. داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

جدول ۱: ضریب آلفای کرونباخ مؤلفه‌های پژوهش

مؤلفه‌ها	تعداد سؤالات	ضریب آلفای کرونباخ
همبستگی اجتماعی	۱۰	۰/۸۹
آگاهی از حقوق شهروندی	۶	۰/۷۳

۰/۹۰	۹	ابزارها و رسانه‌های ارتباطی و اطلاعاتی
۰/۷۵	۸	قوم‌گرایی
۰/۷۱	۷	توسعه‌ی نابرابر
۰/۹۱	۶	نگرش نسبت جهانی شدن
۰/۷۷	۶	روحیه‌ی فردگرایی
۰/۸۰	۵	احساس تبعیض، اجحاف و بی‌عدالتی

توصیف ویژگی‌های جامعه‌ی مورد مطالعه:

پرسشنامه در میان ۷۳۶ نفر از شهروندان تهران، توزیع شد. از نظر سطح تحصیلی ۱۸/۱ درصد از پاسخگویان را بیسواد هستند. ۲۴/۹ درصد زیردیپلم، ۴۴/۴ دیپلم و ۱۲/۵۶ لیسانس و بالاتر هستند بنابراین بیشتر تحصیلاتشان در حد دیپلم است. از نظر وضعیت تأهل پاسخگویان، ۸۸/۱ درصد از پاسخگویان را تشکیل می‌دهند. و ۱۱/۹ درصد از پاسخگویان مجرد هستند.

بیشتر پاسخگویان مرد هستند که ۶۵/۵ درصد از پاسخگویان را تشکیل می‌دهند. ۳۴/۵ درصد هم زن هستند. ۱۱/۹ درصد از پاسخگویان مرد هستند. ۳۰/۴ درصد از پاسخگویان درآمد زیر یک میلیون هستند، ۳۶ درصد یک تا یک و نیم میلیون و ۲۵/۷ درصد یک و نیم تا دو میلیون و ۷/۹ درصد هم بیش از دو میلیون درآمد دارند. بیشتر پاسخگویان مالک هستند که ۵۷/۱ درصد از پاسخگویان را تشکیل می‌دهند. ۴۱/۷ درصد از پاسخگویان مستأجر هستند و ۱/۲ درصد هم وضعیت مسکن خود را مشخص نکرده‌اند. از نظر مدت سکونت در مسکن کنونی نیز ۸/۹ درصد از پاسخگویان مدت سکونت آنها کمتر از یک یکسال، ۵۰/۸ یک تا پنج سال، ۲۷/۴ بین پنج تا ده سال، ۱۲/۸ بالاتر از ده سال در آن مکان سکونت دارد بنابراین بیشترین مدت سکونت بین یک تا پنج سال است.

خلاصه‌ی تحلیل همبستگی یا خلاصه‌ی آزمون فرضیه‌ها

نتایج فرضیات: جدول زیر نشان‌دهنده رابطه بین متغیرهای مستقل قوم‌گرایی، توسعه‌ی نابرابر، نگرش نسبت جهانی شدن و ابزارها و رسانه‌های ارتباطی و اطلاعاتی، احساس تبعیض، اجحاف و بی‌عدالتی، روحیه‌ی فردگرایی، آگاهی از حقوق شهروندی با «همبستگی اجتماعی»، به عنوان متغیر وابسته است که از آزمون‌های مرتبط استفاده شده است. نتیجه آزمون‌ها به طور خلاصه در جدول زیر آمده است:

جدول ۲: خلاصه آزمون فرضیه‌ها

ردیف	فرضیه	نوع آزمون	سطح معناداری	ضریب	قبولی یا ردی
۲	قوم‌گرایی بر همبستگی اجتماعی	پیرسون	۰/۰۰۰	۰/۳۳۴	تایید
۳	تأثیر توسعه نابرابر بر همبستگی اجتماعی	پیرسون	۰/۰۰۰	۰/۲۱۱	تایید
۴	نگرش نسبت جهانی شدن بر همبستگی اجتماعی	پیرسون	۰/۰۰۰	۰/۳۳۵	تایید
۵	ابزارها و رسانه‌های ارتباطی و اطلاعاتی بر همبستگی اجتماعی	پیرسون	۰/۰۰۲	۰/۱۶۶	تایید
۶	احساس تبعیض، اجحاف و بی‌عدالتی بر همبستگی اجتماعی	پیرسون	۰/۰۴۳	۰/۱۰۶	تایید
۷	روحیه فردگرایی بر همبستگی اجتماعی	پیرسون	۰/۰۱۳	۰/۱۲۹	تایید
۹	آگاهی از حقوق شهروندی بر همبستگی اجتماعی	پیرسون	۰/۰۰۰	۰/۲۶۹	تایید
۱۰	جنس و همبستگی اجتماعی	تی تست	۰/۰۰۹	۶/۷۷۷	تایید
۱۱	سن و همبستگی اجتماعی	پیرسون	۰/۰۰۱	۰/۱۹۹	تایید
۱۲	وضعیت تاهل و همبستگی اجتماعی	پیرسون	۰/۲۰۸	۱/۵۹۳	رد

۱- در رابطه با تأثیر متغیر قوم‌گرایی بر همبستگی اجتماعی مشاهده گردید که بین همبستگی اجتماعی و قوم‌گرایی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. طبق آزمون ضریب پیرسون (r) این آزمون برابر با ($r = 0/334$) و سطح معناداری ($0/000$)، است که نشان‌دهنده‌ی شدت رابطه در جهت مثبت است به این معنا که همبستگی اجتماعی بر سطح قوم‌گرایی افراد تأثیر داشته است.

۲- در رابطه با تأثیر متغیر تأثیر توسعه‌ی نابرابر بر همبستگی اجتماعی مشاهده گردید که بین همبستگی اجتماعی و توسعه‌ی نابرابر رابطه‌ی معناداری وجود دارد. ضریب پیرسون (r) این آزمون برابر با ($r = 0/211$) و سطح معناداری ($0/000$)، است که نشان‌دهنده‌ی

شدت رابطه در جهت مثبت است به این معنا که همبستگی اجتماعی بر سطح توسعه‌ی نابرابر تأثیر داشته است.

۴- در رابطه با تأثیر متغیرنگرش نسبت جهانی شدن بر همبستگی اجتماعی طبق آزمون ضریب همبستگی پیرسون (r) مشاهده گردید که ضریب پیرسون (r) این آزمون برابر با ($r = 0.225$) و سطح معناداری ($0/000$) است که نشان‌دهنده‌ی شدت رابطه در جهت مثبت است به این معنا که نگرش نسبت جهانی شدن بر همبستگی اجتماعی افراد تأثیر داشته است.

۵- در رابطه با تأثیر متغیر ابزارها و رسانه‌های ارتباطی و اطلاعاتی بر همبستگی اجتماعی طبق آزمون ضریب همبستگی پیرسون (r) مشاهده گردید که بین همبستگی اجتماعی و ابزارها و رسانه‌های ارتباطی و اطلاعاتی رابطه‌ی معناداری وجود دارد ضریب پیرسون (r) این آزمون برابر با ($r = 0.166$) و سطح معناداری ($0/002$) است که نشان‌دهنده‌ی رابطه در جهت مثبت است به این معنا که ابزارها و رسانه‌های ارتباطی و اطلاعاتی بر همبستگی اجتماعی تأثیر داشته است.

۶- در رابطه با تأثیر متغیر احساس تبعیض، اجحاف و بی‌عدالتی بر همبستگی اجتماعی طبق آزمون ضریب همبستگی پیرسون (r) مشاهده گردید که: بین همبستگی اجتماعی و احساس تبعیض، اجحاف و بی‌عدالتی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. ضریب پیرسون (r) این آزمون برابر با ($r = 0.106$) و سطح معناداری ($0/000$) است که نشان‌دهنده‌ی رابطه در جهت مثبت است به این معنا که احساس تبعیض، اجحاف و بی‌عدالتی بر همبستگی اجتماعی داشته است.

۷- در رابطه با تأثیر متغیر همبستگی اجتماعی بر روحیه‌ی فردگرایی طبق آزمون ضریب همبستگی پیرسون (r) مشاهده گردید که: بین همبستگی اجتماعی و روحیه‌ی فردگرایی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. ضریب پیرسون (r) این آزمون برابر با ($r = 0.129$) و سطح معناداری ($0/000$) است که نشان‌دهنده‌ی رابطه در جهت مثبت است به این معنا که همبستگی اجتماعی بر روحیه‌ی فردگرایی تأثیر داشته است.

۹- در رابطه با تأثیر متغیر آگاهی از حقوق شهروندی بر همبستگی اجتماعی طبق آزمون ضریب همبستگی پیرسون (r) مشاهده گردید که: بین همبستگی اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. ضریب پیرسون (r) این آزمون برابر با ($r = 0/129$) و سطح معناداری ($0/013$) است که نشان‌دهنده‌ی رابطه در جهت مثبت است به این معنا که آگاهی از حقوق شهروندی بر همبستگی اجتماعی تأثیر داشته است.

➤ نتیجه‌ی آماری متغیرهای زمینه‌ای بر متغیر همبستگی اجتماعی: متغیر «جنس» متشکل از دو مقوله‌ی زن و مرد است که در قالب مقیاس اسمی ساخته شده است بنابراین، برای بررسی رابطه میان این متغیر و متغیر «همبستگی اجتماعی» از آزمون T تست مستقل استفاده شد. تفاوت همبستگی اجتماعی در دو گروه زنان و مردان تأیید می‌شود. با توجه به میانگین رتبه‌ها، رضایت و تأثیرپذیری مثبت از همبستگی اجتماعی در میان زنان بیشتر است.

➤ بررسی تأثیر متغیر زمینه‌ای مستقل سن بر همبستگی اجتماعی: با توجه به سطح شبه‌ی فاصله‌ای متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. سطح معناداری برابر $Sig = 0/001$ است که نشان از معناداری رابطه سن و همبستگی اجتماعی است. همچنین میزان همبستگی پیرسون $-0/199$ است که نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی معکوس بین متغیرهاست بنابراین هرچه سن بالاتر رود همبستگی اجتماعی کمتر است.

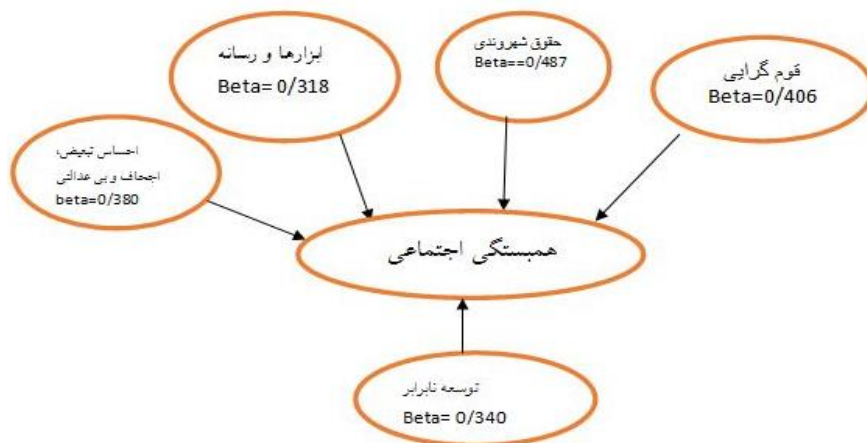
➤ بررسی تأثیر متغیر زمینه‌ای مستقل وضعیت تأهل بر همبستگی اجتماعی: متغیر «وضعیت تأهل» متشکل از دو مقوله‌ی مجرد و متأهل است که در قالب مقیاس اسمی ساخته شده است. بنابراین، برای بررسی رابطه میان این متغیر و متغیر «همبستگی اجتماعی» از آزمون T تست مستقل استفاده شد. با توجه به سطح معناداری آزمون $Sig = 0/208$, $Levenes$ است. فرضیه‌ی $H1$ مبنی بر وجود تفاوت همبستگی اجتماعی در دو گروه مجرد و متأهل تأیید نمی‌شود. و تفاوتی بین رضایت مجردها و متأهل‌ها وجود ندارد.

برای تبیین سهم عوامل تهدیدکننده‌ی همبستگی اجتماعی، متغیرهای تأثیرگذار وارد آزمون رگرسیون شده‌اند. متغیرهای روحیه‌ی فردگرایی به عنوان متغیرهایی بودند که به دلیل عدم معناداری بر متغیر وابسته تأثیرگذار نبودند. و بنابراین از مدل حذف شدند.

جدول (۳): ضرایب آزمون تحلیل رگرسیون چند متغیره عوامل تهدیدکننده‌ی همبستگی اجتماعی

سطح معناداری	مقدار T	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		عنوان متغیر
		Beta	اشتباه استاندارد	B	
۰/۰۰۰	۱/۲۴۳	-	۱۰/۹۹۷	۱۰/۴۷۳	عدد ثابت (Constant)
۰/۰۰۵	۰.۹۸۷	۰/۳۴۰	۰.۰۰۶	۰.۰۰۶	توسعه‌ی نابرابر
۰/۰۰۰	۵۲۱.۲	۰/۴۰۶	۰/۱۶۷	۰/۴۲۱	قوم گرایی
۰/۰۴۰	۰.۴۶۹	۰/۳۱۸	۰.۲۵۳	۰.۱۱۸	ابزارها و رسانه
۰/۰۰۳	۲/۲۸۳	۰/۴۸۷	۰/۱۶۳	۰.۳۷۳	آگاهی از حقوق شهروندی
۰/۰۰۲	۳.۱۵۸	۰/۳۸۰	۰/۰۹۲	۰/۲۹۰	احساس تبعیض
۰/۰۶۸	۱/۷۱۲	۰/۰۱۹	۰/۱۹۹	۰/۳۴۰	نگرش به جهانی شدن
۰/۱۰۰	۶/۵۴۳	۰/۶۵۴	۰/۳۷۱	۰/۲۶۰	روحیه فردگرایی

مدل تحلیل مسیر پیامدهای عوامل تهدیدکننده‌ی همبستگی اجتماعی



تفسیر: بر مبنای مدل تحلیل مسیر همبستگی اجتماعی می‌توان گفت:

۱. بر مبنای مدل تحلیل مسیر عوامل تهدیدکننده‌ی همبستگی اجتماعی، میزان اثرات مستقیم آگاهی از حقوق شهروندی (به میزان ۰/۴۸۷)، قوم‌گرایی بر همبستگی اجتماعی (۰/۴۰۶) احساس تبعیض، اجحاف و بی‌عدالتی (۰/۳۸۰)، توسعه‌ی نابرابر (به میزان ۰/۳۴۰)، و ابزارها و رسانه‌های ارتباطی و اطلاعاتی (۰/۳۱۸) است.

جدول شماره‌ی (۴): تحلیل مسیر تأثیر عوامل مؤثر بر تهدیدکننده‌ی همبستگی اجتماعی

انواع تأثیر ضرایب مسیر (β_i) بر تهدیدکننده‌ی همبستگی اجتماعی			
عوامل تهدیدکننده‌ی همبستگی اجتماعی	تأثیر مستقیم	اثرات غیر مستقیم	مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم
قوم‌گرایی	۰/۴۰۶		۰/۴۰۶
توسعه‌ی نابرابر	۰/۳۴۰	۰/۲۱۸	۰/۵۵۸
آگاهی از حقوق شهروندی	۰/۴۸۷		۰/۴۸۷
احساس تبعیض، ...	۰/۳۸۰		۰/۳۸۰

۰/۳۱۸		۰/۳۱۸	ابزارها و رسانه‌ها...
-	۰/۲۱۸	۱/۹۳۱	مجموع تأثیرات

بحث و نتیجه‌گیری

همانطور که در بخش آماری نتایج نشان داده شد، در بیشترین و قوی‌ترین عوامل تهدیدکننده‌ی همبستگی اجتماعی، می‌توان به اثر مستقیم متغیرهای قوم‌گرایی (۰/۴۰۶) توسعه‌ی نابرابر (۰/۳۴۰) آگاهی از حقوق شهروندی (۰/۴۸۷) احساس تبعیض، اجحاف و بی‌عدالتی (۰/۳۸۰)، ابزارها و رسانه‌های ارتباطی و اطلاعاتی (۰/۳۱۸) اشاره نمود. در کل ضریب تعیین تحلیل مسیر ($R^2=0/521$) را نشان می‌دهد. این بدان معناست که متغیرهای مورد بررسی ۰/۵۲۱ درصد از واریانس میزان عوامل تهدیدکننده‌ی همبستگی اجتماعی (متغیر وابسته نهایی) را تبیین نموده و ۰/۴۷۹ درصد واریانس میزان گرایش عوامل تهدیدکننده‌ی همبستگی اجتماعی (متغیر وابسته نهایی) مربوط به متغیرهایی است که در تحقیق پیش‌بینی نشده‌اند ($1-0/479=0/521$) مقدار واریانس تبیین نشده).

با توجه به اهمیت موضوع کاهش همبستگی‌های اجتماعی در کلان‌شهرهای جدید بویژه در کشورهای موسوم به درحال توسعه به شکل نگران‌کننده‌ای توجه جامعه‌شناسان، مسئولان و برنامه‌ریزان شهری را به خود جلب کرده است. توجه به هویت‌های اجتماعی متنوع در شهر تهران از این حیث دارای اهمیت است که چگونه ممکن است در کنار آسمان‌خراش‌های عظیم، معماری توسعه‌یافته‌ی مدرن، تکنولوژی رو به رشد و در دسترس همگان، همبستگی اجتماعی را حفظ کرده و با عوامل تهدیدکننده‌ی آن به مقابله پرداخت.

حفظ همبستگی اجتماعی در جامعه ایرانی که تشکیل‌یافته از تعدد و تنوع هویت‌های اجتماعی، قومی، فرهنگی، زبانی، نژادی، دینی و... تا بتواند راهگشای تحقیقات و راهکارهای کاربردی آتی برای مقابله با عوامل تهدیدزای همبستگی اجتماعی در عین حفظ تنوع‌ها و سلیقه‌ها در شهر تهران و به تبع آن جامعه‌ی ایرانی باشد و افراد جامعه ضمن برخورداری از مواهب توسعه‌ی شهری، در محیطی سرشار از همبستگی‌های

اجتماعی و فرهنگی همزیستی مسالمت‌آمیزی داشته باشند که این همزیستی مسالمت‌آمیز سبب اتحاد، همدلی و پیشرفت اجتماعی و مانع از ناهنجاری‌ها، بزهکاری اجتماعی، جرائم و در نهایت تجزیه اجتماعی می‌گردد.

منابع:

- ابراهیم‌پور، داود و توسلی، غلام عباس. (۱۳۹۱). رسانه‌های جمعی، هویت‌یابی اجتماعی و سرمایه‌ی اجتماعی دانشجویان، *مجله‌ی مطالعات جامعه‌شناسی*، سال چهارم، شماره‌ی پانزدهم.
- ابراهیمی، قربانعلی و بهنوئی‌گدنه، عباس. (۱۳۹۱). بررسی جامعه‌شناختی سرمایه فرهنگی و هویت‌های اجتماعی فردی و جمعی در بین جوانان، *مجله‌ی تخصصی جامعه‌شناسی*، سال اول، پیش شماره‌ی سوم.
- اتابکی، جواد. (۱۳۹۵). بررسی تنوع هویت‌های اجتماعی در شهر کاشان و عوامل تهدیدکننده همبستگی اجتماعی در سطح محلات. دومین همایش بین‌المللی معماری، عمران و شهرسازی در آغاز هزاره‌ی سوم
- اوزکریمی، اوموت. (۱۳۸۳). *نظریه‌های ناسیونالیسم*، ترجمه محمدعلی قاسمی، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- بی، ارل. (۳۸۷). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه‌ی رضا فاضل، تهران: سمت.
- بشریه، حسین. (۱۳۸۶). *آموزش دانش سیاسی*، چاپ هشتم، تهران: نگاه معاصر.
- بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۸۴). *روش‌های تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی*، تهران: نشر دوران.

- تقی‌لو، فرامرز. (۱۳۸۶). تنوع قومی، سیاست چند فرهنگی و الگوی شهروندی: بررسی موردی ایران معاصر، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال دهم، شماره اول.
- جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۱). *هویت اجتماعی*، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: نشر شیرازه.
- درویشی، فرهاد و امامی، اعظم. (۱۳۸۹). قومیت‌ها و همبستگی ملی در جمهوری اسلامی ایران / چالش‌ها و راهکارها، *فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی*، سال هفتم، شماره ۲۰.
- دلاور، علی. (۱۳۸۳). *روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، تهران: نشر ارسباران.
- رشتیانی، آذر. (۱۳۹۶). زمینه‌ها و تنگناهای شکل‌گیری و گسترش شهروندی جهانی در ایران و بریتانیا، *رساله دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران*.
- روشه‌گی. (۱۳۹۴). *تغییرات اجتماعی*، مترجم منصور وثوقی، چاپ بیست و دوم، تهران: نشر نی.
- قاسمی، محمدعلی. (۱۳۸۱). درآمدی بر پیدایش مسایل قومی در جهان سوم، *فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی*، سال پنجم، شماره ی اول، بهار.
- کفاشی، مجید. (۱۳۹۳). مدل معادلات ساختاری مؤلفه‌های سبک زندگی مؤثر بر هویت اجتماعی، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال ششم، شماره سوم.
- کیویستو، پیترو. (۱۳۹۵). *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*، مترجم منوچهر صبوری، چاپ دوازدهم، تهران: نشر نی.
- کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان. (۱۳۸۵). *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر، نشر توتیا.
- گودرزی، حسین. (۱۳۸۸). بررسی جامعه‌شناختی سیر تکوینی هویت ملی در ایران با تأکید بر دوره‌ی صفویه، استاد راهنما: سیف‌الله سیف‌اللهی، استاد مشاور: باقر ساروخانی.
- مالشویچ، سینیشا. (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی قومیت*، ترجمه‌ی پرویز دلیرپور، تهران: انتشارات آمه.
- مشکینی، ابوالفضل؛ زیاری، کرامت‌اله و حیاتی، عقیل. (۱۳۹۲). ارزیابی هویت اجتماعی در محله‌های شهری، مطالعه‌ی موردی: شهر اوین، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۷.
- معلوف، امین. (۱۳۸۹). *هویت‌های مرگبار*، ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر نی.

- معمار، ثریا؛ عدلی پور، صمد و خاکسار، فائزه. (۱۳۹۱). شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت با تأکید بر بحران هویتی ایران، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره‌ی اول، شماره ۴.

- مقصودی، مجتبی. (۱۳۸۱). قومیت‌ها و هویت فرهنگی ایران، مجله نامه پژوهش، شماره ۲۲ و ۲۳.

- موسوی، یعقوب. (۱۳۸۱). کاهش همبستگی اجتماعی در کلان شهرها، مجله پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران. دوره ۶، شماره ۴.

- نیازی، محسن؛ جعفر پور برزکی، مرتضی و شفائی مقدم، الهام. (۱۳۹۳). تبیین رابطه بین هویت‌های سه گانه‌ی فردی، اجتماعی و ملی با میزان پایبندی شهروندان به فرهنگ شهروندی (مورد مطالعه: شهروندان شهر تهران)، مجله‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی ایران، سال ششم.

- وکیل‌ها، سمیرا. (۱۳۹۶). زمینه‌ها و موانع تعهد به اخلاق شهروندی، رساله‌ی دکتری جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

-Dongoh Joo, Asli D. A. Tasci, Kyle M. Woosnam, Naho U. Maruyama, Kayode D. Aleshinloye(2018), Residents' attitude towards domestic tourists explained by contact, emotional solidarity and social distance, Tourism Management, Volume 64, February 2018, Pages 257-245.

-Driedger, L. .(2006) *Identity ethnique*, [on line].

-Federico Bianchi, Niccolò Casnici, Flaminio Squazzoni (2018), Solidarity as a byproduct of professional collaboration: Social support and trust in a coworking space, Social Networks, Volume 54, July 2018, Pages 61-72.

-Howard, 2000, *A social psychobogy of identities*, annalul review sociology, no 26.

-Rezarta Bilali^aYeshim Iqbal^aAyşe Betül Çelik^b(2018), The role of national identity, religious identity, and intergroup contact on social distance across multiple social divides in Turkey, International Journal of Intercultural Relations, Volume 65, June 2018, Pages 73-85.

-Stryker sheldon and peter. j. burke (2000) the post present and future of an identity theory social psychology quarterly.

-Yaffa Moskovich, Ido Liberman, (2018) "Group identity and social closeness: Secular and Ultra-Orthodox Jews in Israeli academic institutions", *International Journal of Sociology and Social Policy*, Vol. 38 Issue: 3/4, pp.259-279.